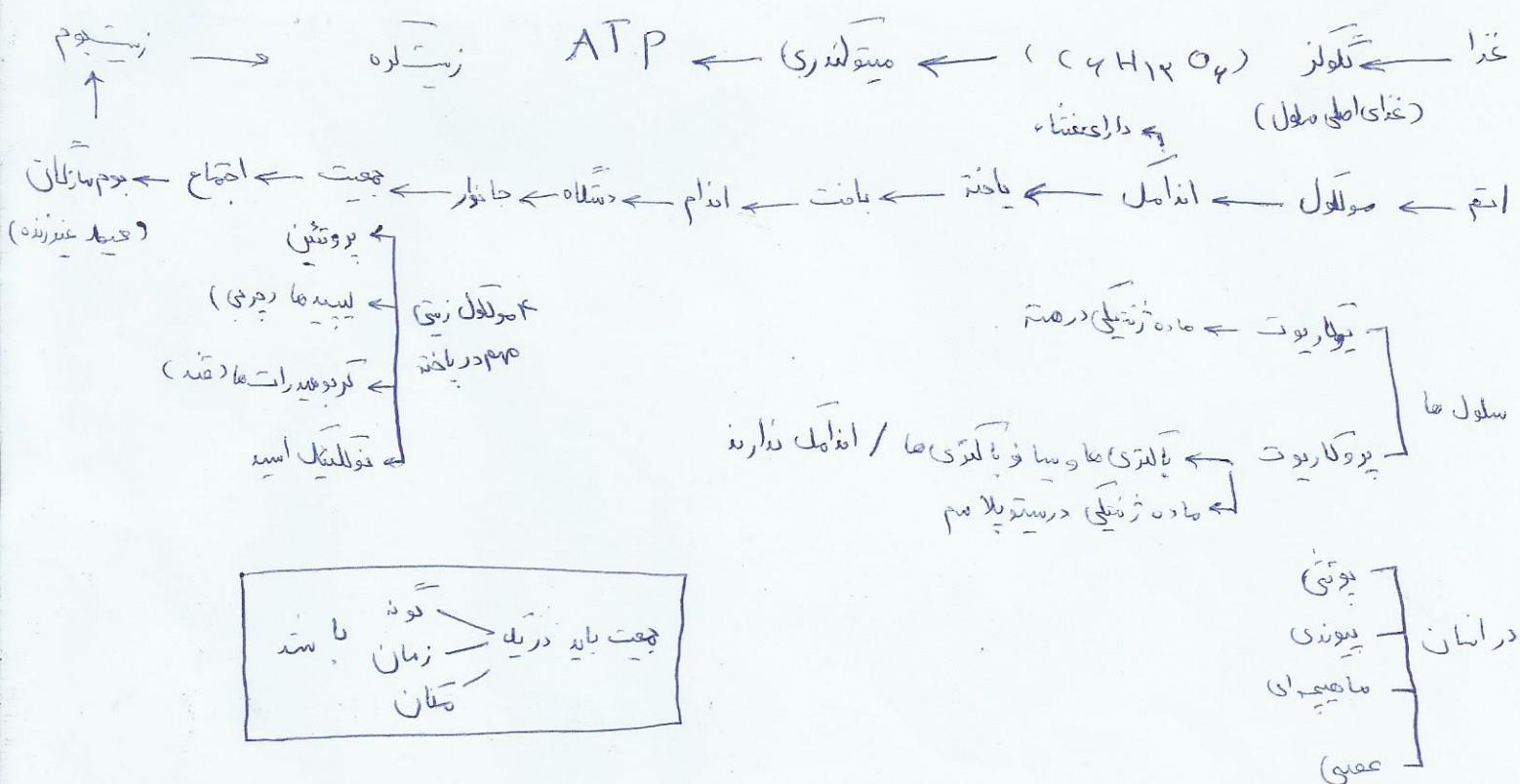


پنجم خداونه خسنه و همان

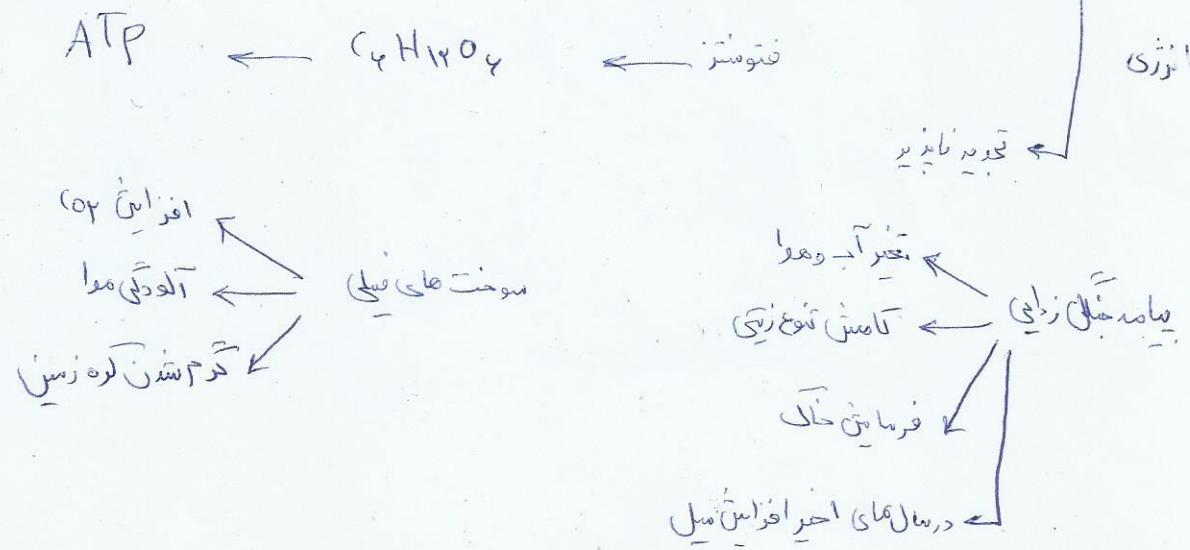
ل) فرمائو جاناران:

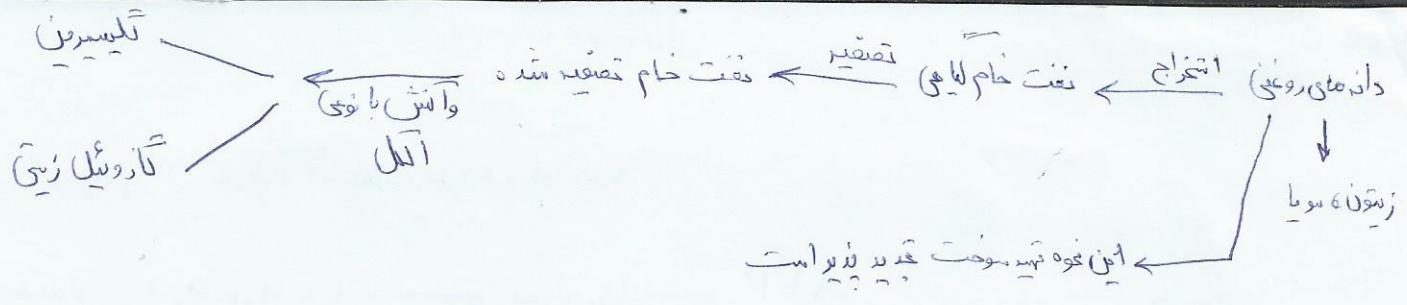
۱- طوران ۲- لیامان ۳- عارج عاگ- بالتری ماهه- آناران



عمل اول گفتار ۲

عمل اول گفتار ۳





ریزوزم اندام حسوب هی شود چون خشایع ندارد

ستراتیفی ← انزیم خواه، یک مولکول آب بازی هر یونه، اینا ریل پلیر
برادر

هیدرولیز (آب دافت) ← شلسن پلیر و اینا دو فرم، انزیم زا، یک مولکول آب به ازای هر یون معرفی شد،

بل مر ← بروتئین ه ناسانه

مونوکر ← آمینو اسید، تکولز
تکوهدرات

تکولز ← هزوکوز ← دریباری از میوه ها
غلوکوز ← مالتوز ← درصد شیر
مالتوز ← تکولز + تکولز ← قند جوانجبو
لالتوز ← تکولز + تکالاتوز ← قند شیر
ستارز ← تکولز + فروکتوز ← قند فرشته
تکولز + فروکتوز ← ناسانه ← تیاعی ← بیرون اشتاب
تکلیوزن ← چاوری ← بیوما هیچی ← اسماپ دارد

سلولز ← آنوم بجزیه لند، سلولز ← آنما اصلن ماذارم

در دیواره سلول تیاعی

تریالیسیری ← جوانان تیعنی دری بر زیم غذایی
لیسته ها

حوم ها ← آبلرین تیعنی درین ماده هر جزیه اها

منقوله های

استردیغ ها ← معروف ترین آن لستروں

ما در کل هی ۲۰ نوع آمینو اسید، پست ندارم، بروتئین، یک پاچند زیسته هی بیوتینی، در همیله بیع و تاپ خورده اند

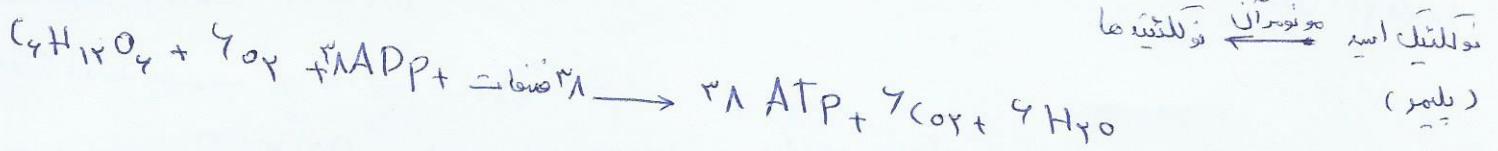
آلرنا بروتئین اند ← RNA بروتئین است

آلرنا در بحیله حتی مطالیت چیزی ← بیس در همیله اسیدی عطا هستی که لذت

آلرنا در دمای بالای ۳۷ درجه عرضه هالی شوند

خند با ره صرف اند

اختصاصی اند



ATP

آدوبروزین تری فنیات

آدنین + ریوز

بازآلی پروژن دار

مخلق

پروتئین درست

سرمه

۱- پیشین جزء خنثا فنیو لبید است

۲- (فلکنیت ها) موآبود است و اسیدی بخوب

فعول در محل خارج عناصری که آنرا باشد

آب تریز آن

تلکلو پروتئین

کربوهیدرات درست

تلکلو لبید

از قنای بین لبید

مواد از حیاه عبوری کند

از منفذ

نمی شود \leftarrow ADP و اصناف آزادی ستود

انتشار رسیل شده تهای شرایط انتشار ساده را دارد به عیناً هم مواد از محلی پروتئین

ها با هم بازی شوند

از پروتئین ها

اسن \leftarrow آب از های رفیق به جای عملکرد های ویرانی های انتشار را در این باش

چاونی تیاهی

آب \downarrow

آب \uparrow

با حد در هیچ داخی خود همچنان نمی تردد

انتشار اسزی \uparrow اختلاف علطف \uparrow سرعت جویان آب \uparrow

اما در هیچ خارجی همچنان است تردد

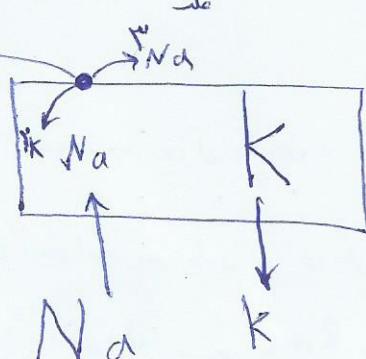
اما سلول تیاهی نمی تردد \leftarrow وجود دیواره

اسز \leftarrow سلول تیاهی نمی تردد \leftarrow تورز ساس

بر علاوه این حالت بلانکولین \leftarrow آر طولانی مقدار موجب می

ماضی هی شود

آر صفت توتاهی بلسته دوباره آن آب برسانید دوباره سرzedه
گی مشود



بیشتر سه می تام

آندوستور و آنزوستور مربوط به ذرات بزرگ آند

آندوستور ATP معرف ADP تولید غسقای آزاد وزیکول توکل سطح غشاء کاپس

آندوستور ATP معرف ADP تولید غسقای آزاد وزیکول معرف سطح غشاء افزایش

همیست زیر بافت پوشی خشای پایه داریم / همیش در بالای خشای پایه بافت پوشی داریم

خشای پایه هاده متابد لیسم سلولی است → صوده است

درون رین ← بخون ترشعی لست ← صور موئ

برون رین ← پهلوخ حارجی (مکتب حارجی) ترشع حیلست

تیره بید و نقرهون بافت پوشی بلعی تل لایدارند

غده پانکراس هم قسمت درون رین (جزایر لانگهانس) دارد و هم قسمت برون رین

غده بزاقی از جنس بکھی تل لای است بافت پیوندی از ۱- از انواع باخته ۲- رشته های لازن → مقام است

بافت پیوندی از ۳- رشته های لشان → انعطاف خود ماده زمینه ای هر لغز

بافت پیوندی خود سلول

حای آن چی سازند

- | | |
|------------|-------------|
| ۱- استخوان | بافت پیوندی |
| ۲- خون | |
| ۳- چربی | |
| ۴- خبروف | |
- ۵- سمت
- ۶- متآلم

پیوندی است → انعطاف نماینده لشان بشر، همارست کلم → لازن بمنته ماده زمینه ای سنت هاشماfat، بی رمل و حسنه دارد لب وجود تکلیف و تشنین

در طول لوله کوارچ ههواره بافت پیوندی است و بافت پوشی را پوشانی می کند

فعای بین باخته بافت پیوندی از بافت پوشی شناس است

ماده زمینه ای بافت پیوندی می تواند مایع و حامد باشد

پیوندی متآلم → انعطاف نماینده لشان بمنته مقاومت بشر → لازن بسر / در آسلکت پیوندی پیوندی متآلم داریم همیش در قسمت درنده درین حال

قلب

پیوندی	رشته‌های کلارن	تفاوت دارنده	تفاوت باخته	صادر زینتی	مقاومت	انعطاف‌پذیری	استلام	رشته‌های آشان
متالم	↓	↑	↓	↑	↓	↓	↓	↑
ست	↑	↓	↑	↓	↑	↑	↓	↓

۱- بزرگترین ذیوه امروزی اندیشیدن

۲- صرب لیدی
۳- عایق حرارتی

مافت چربی مقادیر زیادی صادر چربی در خود ذخیره شده

مافت چربی \rightarrow تری‌لیبرید، اسید چرب، کلیسرول \rightarrow الکل برعاملی دارد

اخوان: هی ترین و مبتلای ترین بافت دوی دیما است

خون و چربی رشته‌های کلارن و آشان ندارند

۳- بافت ماهمی (قلی، صاف، اسلی) در مرده داران است

باخته مایعی و سفاف همواره خیر (رادی عملی) کند اما ماهمی های اسلی اعلب ارادی عملی کند \rightarrow در انقلابی ما محل عینه ارادی دارند

ماهمی قلی تری در لایه همیواره قلب وجود دارد

هو ماهمی ای ترک هست باشد قطعاً عینه ارادی عملی کند

انقباض ماهمی قلی \rightarrow سریع و مدت کم

انقباض ماهمی اسلی \rightarrow سریع و مدت کم

انقباض ماهمی صاف \rightarrow کند و مدت اثر ملولانی ماهمی های اسلی بعد تولید تنسیم بحث شوند بلطف جم آنها انتقامی شود

پلاست	ساختار	عمل	رنگ	تفاوت هسته	جنبه هسته	حمل هسته	مثال
اعلنی	اسدادهای	رادی	قرمزی رو	چند هسته		حایث سلول	دهان
صاف	دودکسل	عینه ارادی	سبز یا سورتی	ک صسته		مرکز سلول	ازدامهای لختی دین بیز قلب
قلی	استوزادهای	عینه ارادی	قرمز روشن	یک یا دو هسته		مرکز سلول	قلب

دور و تک علاوه بر باخت غلاف میلینی تواند وظیفه تغذیه سلول

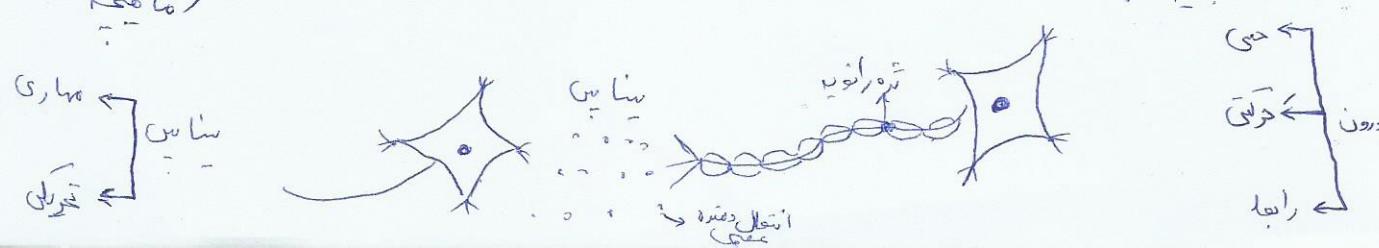
یا جمع آوری مواد دفعه آن را داشته باشد

درست (درست مانند): در ریخت پام و آنکال آن به جسم سلولی

آلسن و دریافت پام از جسم سلولی وحدات آن به یا یام آلسنی

غلاف سلیم از جین غنی است و توسعه دور و تک ساخته بی سو و سرعت فعالیت را افزایش می دهد

عدالت: حریت پام عصبی در مطلع باخته عصبی آنکال: حریت پام عصبی از دورون بسیار دلیل



حرت در لوله لوارش بیلطف است \longleftrightarrow در هنام اسخراج حلت مواد در خلاف جست است

بنزاره مانعی حلقوی آند \longleftrightarrow قطاعی

بنزارد صاف \longleftrightarrow غیر ارادی

بنزارد نصف \longleftrightarrow ارادی \longleftrightarrow ۱- بنزارد خودکاری مرد (در ایندی مرد) ۲- انتای مخرج

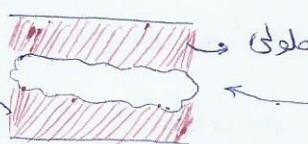
بنزارد انتای مرد یا ابتدای معده \longleftrightarrow تارهای انتای معده \longleftrightarrow پبلور
بنزارد انتای روده باریک یا ابتدای روده بزرگ \longleftrightarrow ایلوسلال ابتدای مخرج

بنزارد جست \longleftrightarrow متقبق بنزارد باز \longleftrightarrow منسمل

در لایه بروزی مهلن است اصل الام پوستی نکست باشیم $\frac{1}{3}$ مرد حفظ است

\hookrightarrow ام بیرونی \longleftrightarrow بافت پیوندی است + رکها + چربی + بافت پوششی (باشد یا نباشد مهلن) و طیغ؛ حفاظت

لایه بروزی



۲- ماهیه ای \longleftrightarrow (بافت پیوندی است + رکها + شبکه عصبی)

ساختار لوله لوارتن

و طیغ؛ ۱- خرد و نرم لودن ۲- خلول طالبی ۳- جلوان (درت)

لایه زیر مخاطی

۳- زیر مخاطی \longleftrightarrow (بافت پیوندی است + رکهای غواصی) سلک یاخته های عصبی

(از خارج به داخل)

و طیغ؛ مخاط روى لایه ماهیه ای بحسب ویرابخت روی آن بلغمد یا حسن بخورد

لایه زیر مخاطی (معده)

۴- مخاطی \longleftrightarrow بافت پیوندی است + رکها + یاخته های ماهیه ای صاف + بافت پوششی

و طیغ و ساخت مواد (موسی، آندیم ماهه هر چون هاد...) - برشی بولولهای لوتاون از لوله دریافت و به قصاید

یاخته ای منتقل می شوند \longleftrightarrow مانند پیر روده

بافت پیوندی است و رکها در هر جا رایج نمی شوند (رسته های لاراتن و کشان در چهار لایه داریم، لایل پروتئین در هر چهار لایه داریم)

هر جا که رسنه کشان دائم باشند در آن قسم بافت پیوندی هم داریم (لایه داریم)

فقط در لایه بیرونی صافی رایم (معقول در لایه بیرونی اسید پرپ، تری لیسوسید، لکلروول داریم)

در لایه ماهیه و لایه زیر مخاطی ما شبکه عصبی داریم در لایه زیر مخاطی بافت عصبی نداریم و یک مسند زیر مخاطی

خونرسانی در لایه زیر مخاطی همیز است

خونرسانی در لایه لوارش قدر صدیل لایه یاخته های صاف داریم \longleftrightarrow در عادی

لایه زیر مخاطی تنها بافت پیوندی است دارد

میرد، صفاق شامل سیاهک ها و سردک های است مومن در سراسر لوله کوارٹ وجود دارد

موسین کل لکللو پروتئین است \leftarrow خاصیت لکنندگی و چسبنده دارد مومن غذاست سلوکی دارد

امحال مایجه حلقه ای و ملولی برخشن هم امت طی آن حلقه منتهی در مرحله ترمی تهیه شد موده غذای انتها رخی دهد \rightarrow جلو \leftarrow برای حرکت طلولی منبسط و جایی که ملولی منتهی حلقه ای منبع است

\leftarrow در قصیت طلولی شوده برای حرکت موده مایه های ملولی منتهی است

درست نمی تفکر مخلوک لکنندگی همی توکاند داشت باشد حرکت مطمئن قطعه لکنده همی تراکنده تفکر حرکت داشت باشد

استقرار ای افلاک است افلاک \leftarrow تک باعث نالمانی است که عبارادی انجام هی شود

پرکشیدن خود براحتی غده بیالومی است \leftarrow ترشیت آن رفع تراوت کوچکی هایی آن خود بیالومی است

با من تدوین خود براحتی زیر آرواره ای وبالاترین آن خود بیالومی است

آذین آمیاز بزاق (بیالین) خود خود بیالومی رفع می شود

با دردهای نهایی که بروجیدرگ هارادریم بغير لورن های شیائی از معده شروع می شوند (لیده ها و پروتئین ها)

در هنلام بادکلو دوپداره سل \leftarrow مونه کار دیا به عوستالی هی زبان کوچک \leftarrow راه بینی راهی بزند زبان \leftarrow راه و مان راهی بزند

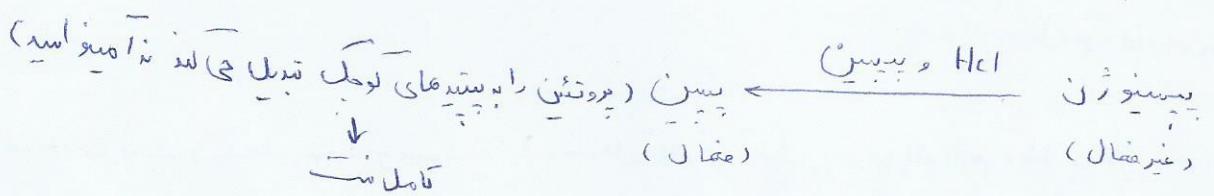
در هنلام بقع تنفس مطلع است \leftarrow بیسان بودن مریز بلع و تنفس (بعد از اینجا) کیوس خاصیت اسیدی دارد

یاخته پوشی سطحی معده بی لریت و موین تولید کند یاخته های ترشیت لکنده خواهد \leftarrow مومن ترشیت می شود
یاخته های ترشیت لکنده هورمون \leftarrow هورمون ناسین تولیدی هن \leftarrow یاخته لماری \leftarrow کلدریک اسید و فالکور اچی ترشیت لکنده یاخته اصلی \leftarrow لیپاز و پروتئاز ترشیت هیلا

پرکشیدن یاخته در منده هیچه یاخته های کماری اند / در نزدیکی بیله راه منعکس اصلی شتر آن (کماری و ترشیت لکنده هورمون لکنده)

لایه های ماهم ای و معده در صفت میلو رطکه رنده / هر چه چشم کیوس شتر باشد ورود و مرعت آن بروده باریک شیر است

بو همچوی پروتئاز های یاخته اصلی \leftarrow پرسینو زن چالویم



غولید اسید (B₉) \leftarrow درینه شره زن و بود دارد جمله

ساخته شدن (در هنراتیون) \leftarrow دلیل قرمز

آن

و تامین < B₁₂ \leftarrow در روده بزرگ تولیدی شود \leftarrow ملتری موجود در روده نیز بزرگ > هوتامین B₁₂

لے در غذاهای حاصلی وجود دارد فقط

کوارتن شیائی نولکلئیک اسید های دوازده آغازی شود

حرارت گرمی در روده باریل ضعیف است

ملان اصلی جذب در این روده باریل است

حرارت قطبی قطبی آنده در این روده باریل بیشتر از انتها آن است

برجای صفراء با عبارت لوز المعده مشترک است

لئے در پیش بری کیوس در روده نقش دارد

باخته های پوستی سطحی بعد در حفره های میان زند

فسفولیپید لیسین

باخته های پوستی روده های میان زند

صفراء

در صفراء وجود دارد

بی لمینات

کربراک وجود دارد

نهاد های صراوی

بانداس (لوز المعده) های میان زند

رُنگ ما (سلی روین - بیلی وردین)

نهاد های صراوی در روده باریل لملی

فسفو لیپید و نهاد های صفراء در درآمده چربی هائی دارند / مثل صفراء تهیا متعلق به صفراءست و ملأن

است در بجزای های صفراء بین وجود داشت

کاهش صفراء \rightarrow کاهش لوارش چربی های کاهش بباب و یامین های چلوی در چربی

لاص و یامین D \rightarrow کاهش و یامین

(مشتل در اتفاقاً)

(پوچی انتقام)

بانداس در زید مهد و موادی با آن فعال می شود

قیمت برون ریز بانداس قری ترین آنزیم مای لوارش را برای مای سازند

آنژیم های بانداسی موجود در بجزای فرنگی یا مشترک با صفراء فعال شوند

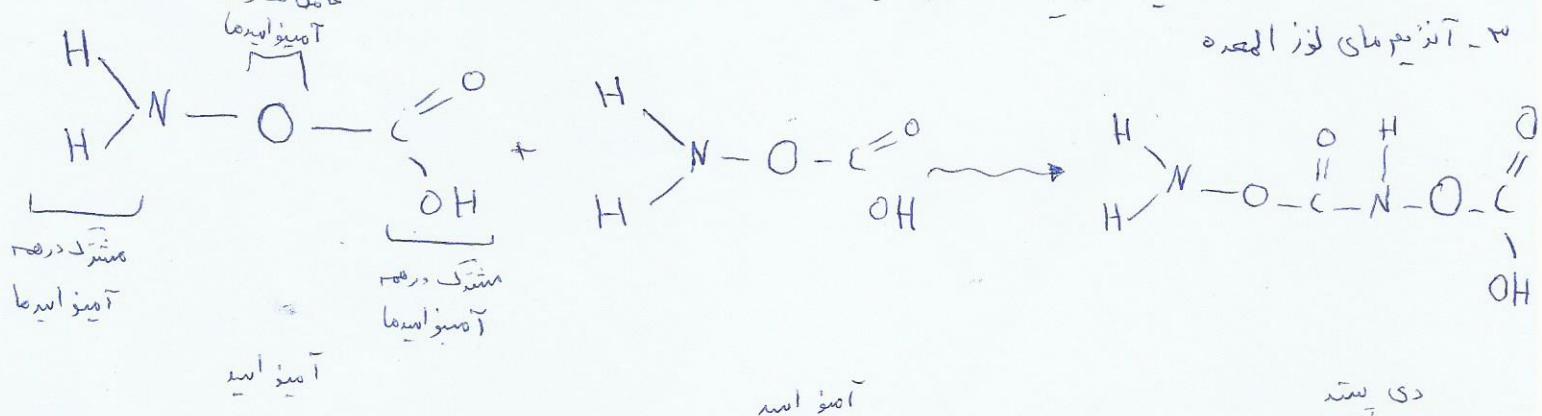
هر مومن سلرین از دیو (ده ملول های روده باریل بخوبی ترشی های شود \rightarrow افزایش ترشی بی لمینات

آنژیم های بانداسی باشد تا بتوانند مطالیت لند \rightarrow در درآمده بی لمینات بخوبی لکن محیط لملی

موتو سالارید مانیزی ب لوارش را مشت و به خودی خود جذبی شود

در روده باریل های سر نوع آنزیم یعنی آنزیم هایی که در محضه تولید شده بودند و در روده باریل وارد نمودند آنژیم های بانداسی در روده باریل را در خود جذبی شود

۲- آنزیم مای لوز المعده



در هر زنجیره تولیدی سرومه کی نیست آن سرخوش اسیدی باشد نه آمیخته با مالکنس
اسید چرب یا موتوکلرسرید یا لکترول کوارتن پیدا نمی‌کند چون دود قابل حذف نه
بینی برای تواریث رسمه های لازم موجود نیست و ساراست
برآکوئل مرزی تنفسی در بین این مواد در دهان حذف نمی‌شوند

جهوی مایعین یا خسته خون، لف بعید داخلی یا لوئیز

- (۱) رکما (خونی و لقی)
- (۲) بافت پویند است (تلارن و تلیلو پروتئین)
- (۳) یاخته مای عجی (دندریت آلسون و ...)
- (۴) بافت پوشی (زیر آن عتای پایی)
- (۵) عقلات صاف

پسند حلوی
لای زیر مکالمی

عامل حمل برز > ماهیه مای صاف لای
مکالمی

تمثیل حمل برز > یاخته های کسی لای
زیر مکالمی

- (۱) رکما (خونی و لقی)
- (۲) بافت پویند است (تلارن و تلیلو پروتئین)
- (۳) بافت پوشی (زیر آن عتای پایی)
- (۴) عقلات صاف

برز < لای مکالمی

رین پوز < غشاء

- (۱) پروتئین (لامال و ...)
- (۲) فسفولیپید (اسید چرب و لیسرول)
- (۳) تلیلو لیپید و تلیلو پروتئین (ترسروهیدرات)
- (۴) لیسرول

Na^+
انزی معصرنی شود

ورود به سلول برز < برخلاف شب عقلات < انتقال فعال (هم انتقالی) < از شب عقلات
لے بطور غیر مستقیم از ATP استفاده می کند (شب عقلات Na^+ که توبیل نیپ سردم نباشد)
حتمی شود)

گلکوز و امکب آسمو اسیدها

درجه ارسلوں برز < براساس شب عقلات < انتشار تسیل شده < بروز مصرف انزی
(ورود به بعید داخلی)

LDL < لیسرول پیش پروتئین کمتر < مفتر < همان درسترنک وجود دارد < رسوب در یاره هر زک < تصلب شریان

HDL < پروتئین پیش و لیسرول کمتر < مفت < جنب LDL ها < اضطراب رسوب در یاره هر زک را افزایش

آب < اسید < بروز مصرف ATP
انتقال فعال و تلسیم، آهن، میگنیم و صفات < باصرف ATP

مواد محرکی

انتشار: سرم < بروز مصرف ATP

خلل در آب < انتقال فعال

آندوستوز: B₁₂

(DEKA)

خلل در پری: مانند لیپیدها

و تامینها

عینده ها صفت ایمک و لش
حریات روده باریل

غلوه های ریز چربی \leftrightarrow مونو لیپید \leftrightarrow اسید چرب اسٹری ساده \leftrightarrow بروز \leftrightarrow ستز آبدی

دروز پوز
دریم آندولاسی

تغییل لیپید

تری لیپید + هستولید + تلرول + بروتنین \rightarrow کلیل میلرون

گرورد

دستگاه کلری آزو ویتور فضای بین باختای \leftarrow موید لیپی \leftarrow ریه لیپی برتر \leftarrow آهی راهی لیپی \leftarrow سیاهد سیه
را آنداه تر شیخی شور

بروز

بزرگ سیاهد
زیرین دیالا

دملز راست
(قلب)

لبی

HDL، LDL

حمل لیپید ادر رون

باخت چربی

راسه روده غصی از روده بزرگ است / روده بزرگ پوز نارد

ادمه بزرگ آن تم ترمع خود حلقی در آن آذین داریم \leftarrow باقی مانده شرمهای بو ای

آنها
و سامن ب و
کسری

چهارچهار

مانده خاکی دهکوز

موس

باخته فای بو شی روده بزرگ
د استواده ای قل لایه

✓ آن تم ترمع خود لد

کلی بتاسیم

روده بزرگ

هدده

کلد

ساهر کتاب خونی لید

بانداس

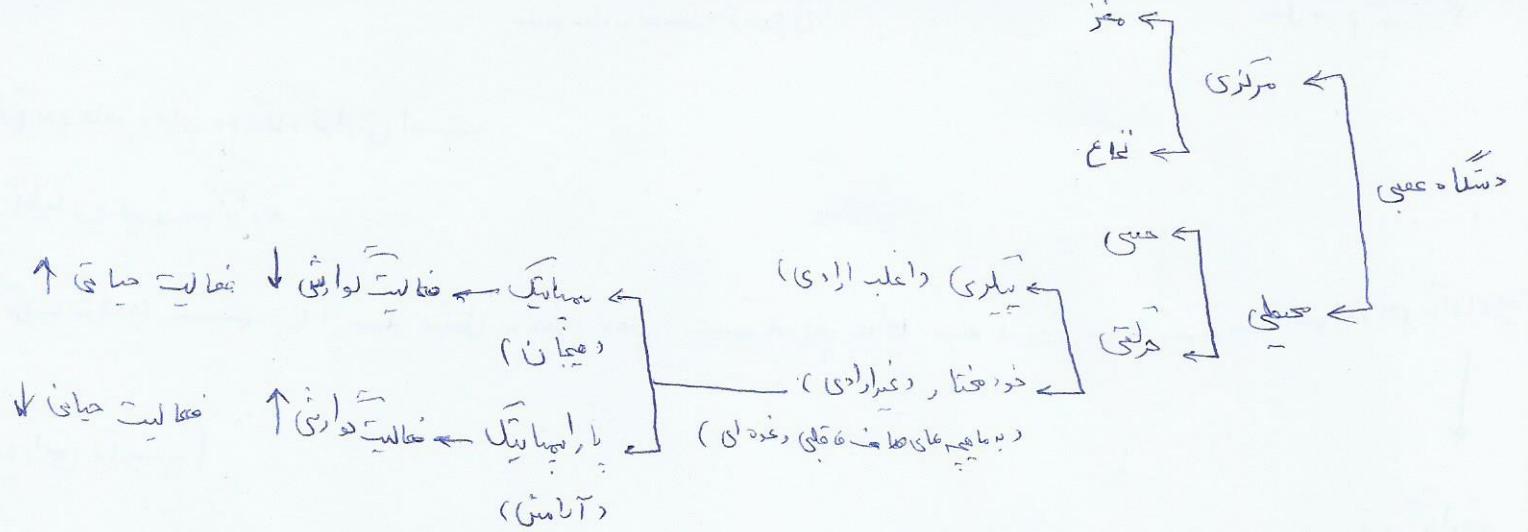
حلال

مواد غیر لیپید \leftarrow سلول بروز \leftarrow فضای بین باختای \leftarrow شله مویلی

سیاهد اباب

بزرگ سیاهد زین

دملز راست



نولیں لندہ: مکہ (یا ختم نبیوں کے عہد مکہ) سے جا وریلور

مُهَرَّكٌ : يَوْمَ تَعْنَىْ حَذَا

اندام عدالت: سقوط مجازی اصلی و نتاری

نقش؛ امراض قریب ایندیگو و سانخورن

فرازیت PH \leftarrow ادما هدف : مانگانس (برون رین)

مَرْكَبٌ لِّهُو مَنْ

سلَّمَ

بعض : امراءن تدعى بـ دربات

نظام حداوند بخشنده و مردان

معلم دوام تغییر

تم دو قاضه هان دستله توارش است

لَيْزِوْرُومْ نَدَارَة

ریاضی و آنالیز

```

graph TD
    A[حکمات فلسفی] --> B[کوچکی داری]
    B --> C[مادل ارنی]
    C --> D[مادل ارنی بافت خارج]
    D --> E[مادل ارنی بافتی ماندلبروت]
    E --> F[کوچکی]
    F --> G[از راه منفعتی]
    G --> H[دفعت]
  
```

نهایی مهره داران لعله‌واری دارن / بخی بی هستیان لعله‌واری دارن (ماهنه؛ حشرات)

در حفظه لوارنی جست دو ملر خالست

کوارٹی در مرحاب نگھید وو... \leftarrow عدا اور لیئے دھفڑہ (لواری) \leftarrow بہ خا یادہ ملے یو شامہ، لیسے ترخیع آندہ \leftarrow بہ خا یادہ علا کاریل یا یاری دارند
و یا پلاناریا
غزو آنڈہ را
مکالمہ آنڈہ

د درون سلوگي) اداهه اسانه توادشي) کويچه خدا آخين → طالو سیتزر → ياخنه هاي هنر د مانند بارامي) +

```

graph LR
    A[د درون سلوگي] --> B[طالو سیتزر]
    B --> C[ياخنه هاي هنر]
    C --> D[کويچه خدا آخين]
    style C fill:none,stroke:none
    style D fill:none,stroke:none
    E[مانند بارامي] --- C
    E --- D
    F[+]
  
```

اوتوروف ← شرطیامان - بعفی آخازیان - بعفی بالدری
 (تعریف لشته)

کترونوف ← همه جو ران - همه خارج ها - بعفی بالدری
 (تعریف لشته) بعفی آخازیان - برخی لیامان دائل

در همه حائز رای لبروز و موجو دارد

کوارٹر درہن سلوں تھا۔ یعنی امت و ملائیک نے اس

کو اپنے درون سلوں نہیں پہنچا سکتے (مطابق نادری)

پاکت داریها (پاکت تک سلوٹی)

چادران

خارجها

چادران

آخازیان

آخازیان تک سلوٹی

محمد

پر سلوٹی

لیهان

پر سلوٹی

چادران

پر سلوٹی

بالنتی و تاریخ ها کوارٹ درون سلوکی دارند

در چاهه‌ای که کلول کوارتز دارد کوارتز برخون سلولی است

کوارٹی درون سلوٹی دینہ ۷۰ شور \rightarrow کوارٹی غذا

نحوه کوئن غذا توصیل آرواره ملع نوارش ملایمی

پیه دان بخش چشم (نهایی مری است) تار چین دان ذخیره وقت غذا است

غذه طای برآمی در ملع زیر چین دان تاردارند

ملع ملک نزدیم

مادر مثل نوارش ملایمی درین

نوارش نهایی در دهان شروع می شود \leftarrow تار کلیوھیدرات \rightarrow در چین دان ادامه هی باشد \rightarrow چین دان آنژیم نارد و لی آسیلاز بینی در آن وجود دارد

نوارش سایر مواد \rightarrow درین محدود \rightarrow خود آنژیم نارد \rightarrow آنژیم عایس را از محده و سه های محدود کی بیند

نوارش پون یافته ای در نهایی محدود خواهد بود

لوله های مایلی (بونهای آن) \rightarrow موادی مانند آب و اوریل اسید را بروده ناره می بندند آب و یون هارا در روده جذب نموده مواد دفعه سپس آب و یون هارا در روده جذب نموده مواد دفعه ملع نمایند اسید است را در این راست \rightarrow جذب آب و یون روده

کی لیم ترمیل خرج

آرواره ها \rightarrow دهان \rightarrow چین دان \rightarrow شی بعده \rightarrow نهایی محدود (جذب) (نوارش نهایی) (نوارش ملایمی) (نوارش ملایمی) (ذخیره و نرم) (ذخیره و نرم)

روده

$\xrightarrow{\text{اویل اسید}}$ $\xrightarrow{\text{H}_2\text{O}}$ $\xrightarrow{\text{Cl}^-}$ $\xrightarrow{\text{k}^+}$ $\xrightarrow{\text{لوله های مالسلی}}$ راست روده \rightarrow مخرج \rightarrow دفع (جذب آب و یون) (مواد دفعه) (اویل اسید)

آنکار نوارش ملایمی \rightarrow دهان آرواره ها

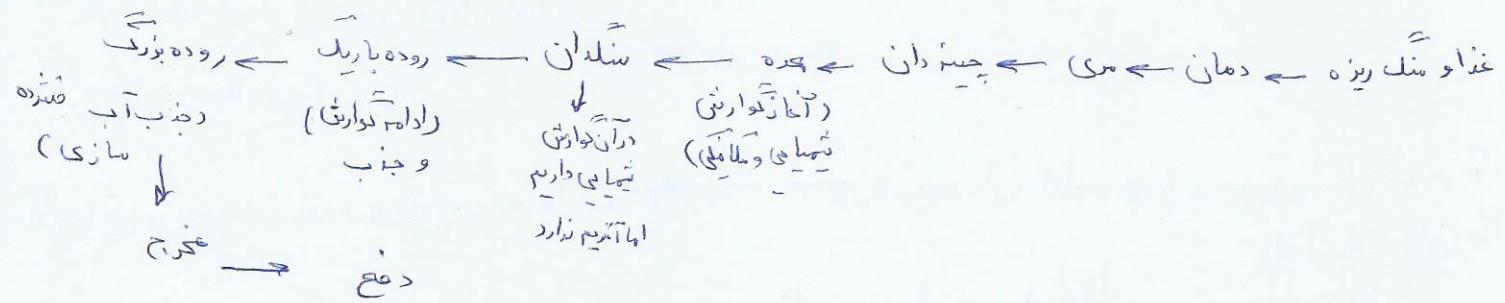
کرم خانی محدود ندارد آنکار نوارش نهایی \rightarrow دهان آسیلاز بینی

ملع \rightarrow بیان نوارش ملایمی \rightarrow شی محدود \rightarrow بیان نوارش نهایی \rightarrow نهایی محدود \rightarrow جذب \rightarrow محدود - راست روده

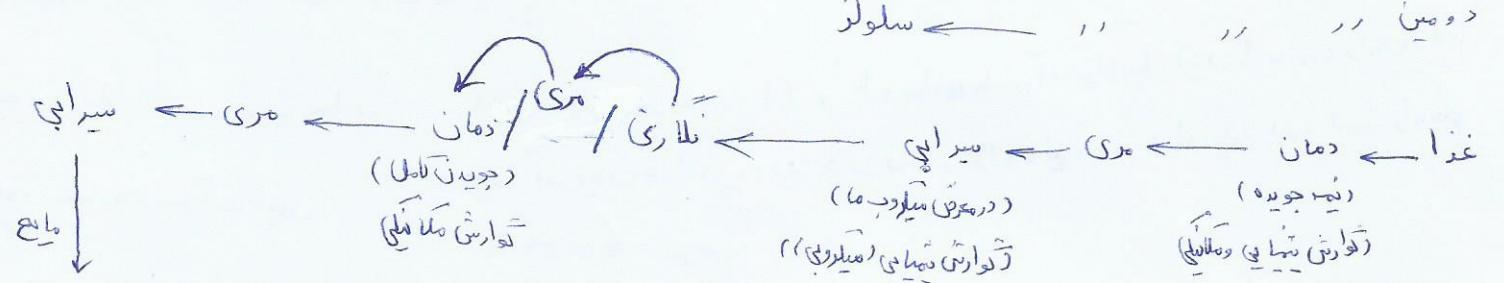
خاک و معدا آلمی \rightarrow دهان \rightarrow حلق \rightarrow چین دان \rightarrow متلدان \rightarrow آنکار نوارش نهایی (هیان اصلی نوارش ملایمی)

جذب \rightarrow روده دهان (هیان نوارش نهایی) \rightarrow دفع \rightarrow مخرج

لید پرنده زیب و ماهی خشکان و سلطان هزار دارد
در لوله اورش پرنده خشکان حیم ترین بخش است



اویں نمبری کے دریں کا میدرولینگی ہو دے ساتھ



دھان \leftarrow باری ، باری \leftarrow نکاری

مری ← ۳۲ هزارلا → ایار

سیراگی \rightarrow ۲ بار تبرداں سے اباد

نَهْرٌ لَّا يَرِيْدُ عَيْنَ شَوَّارِ لَتَلَانَ بَا

جزء سلول لكم (حفل اند)

جئنے داں و سلائی ٹولائی جنپ نارند